

نقش تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانکها

محمدرضا غلامی^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی (مطالعه موردی: بانک های تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس) می باشد. جامعه آماری و داده های آن، بانک های تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس تهران که از بین سال های ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۳، به مدت ۶ سال در نظر گرفته شده است؛ نمونه آماری نیز ۲۱ بانک با روش حذفی انتخاب شد. روش پژوهش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و داده ها از نوع تاریخی با مراجعه به صورت های مالی و گزارشات مالی با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین جمع آوری و طبقه بندی گردید. برای تجزیه و تحلیل داده های آماری از روش داده های پانل دیتا و با استفاده از اثرات ثابت استفاده شد؛ و در بخش تجزیه و تحلیل از آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گردید و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار Eviews نسخه ۹ صورت گرفت. با توجه به تحلیل نتایج، فرضیه اصلی مورد تأیید قرار گرفت و مشخص شد که تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانکهای تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثری مثبت و معناداری دارد به طوری که در این پژوهش براساس آماره t میزان تأثیرپذیری فرضیه های ویژه مشخص شد که به ترتیب تأمین مالی بانک، کانال خلق نقدینگی و قدرت بازاری بر سیاست پولی اثرگذار است.

واژگان کلیدی

تأمین مالی، قدرت بازار، کانال خلق نقدینگی، سیاست پولی

۱. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. (نویسنده مسئول:

(Mohammadreza.a5244@gmail.com)

مقدمه

در مطالعه دانگ و هایونه در سال ۲۰۲۳، اثرات ساختار تامین مالی بانک و قدرت بازار بر کانال خلق نقدینگی بانکی در یک بازار نوظهور و همچنین میزان انتقال سیاست پولی را تجزیه و تحلیل می‌کند. در مطالعه آنها با استفاده از پانلی از بانک‌های ویتنامی طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۹، دریافتند، پس از اینکه بانک مرکزی سیاست‌های پولی خود را از طریق کاهش نرخ‌های بهره سیاستی یا تزریق پول به بازار تعدیل می‌کند، بانک‌ها ممکن است خلق نقدینگی را با شدت بیشتری گسترش دهند. تجزیه و تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که همه بانک‌ها به طور یکسان تحت تأثیر تغییرات سیاست پولی قرار نمی‌گیرند. اول، قدرت بازار بیشتر، انتقال سیاست پولی را از طریق کانال‌های خلق نقدینگی بانکی تضعیف می‌کند. دوم، بانک‌هایی که اتکای کمتری به سپرده‌های مشتریان دارند یا مدل‌های تامین مالی متنوع‌تری دارند، ممکن است در حین خلق نقدینگی، حساسیت کمتری نسبت به شوک‌های سیاست پولی داشته باشند. این یافته‌ها در تمامی معیارهای جایگزین خلق نقدینگی (با و بدون اقلام خارج از ترازنامه) و شاخص‌های مختلف سیاست پولی (بر اساس ابزارهای بهره ای و کمی) همچنان پا بر جا می‌باشد. نظریه‌ها معتقدند که تغییرات سیاست پولی می‌تواند به طور گسترده‌ای ترازنامه بانک‌ها را تغییر دهد. تعدیل سیاست پولی، هزینه‌های تامین مالی را کاهش می‌دهد و بانک‌ها را تشویق می‌کند تا از اهرم‌های بزرگ‌تری در سمت بدهی استفاده کنند (والنسیا^۱، ۲۰۱۴). در سمت دارایی، کاهش نرخ بهره، اهداف مربوط به جستجو برای بازده را تحریک می‌کند؛ و بنابراین بانک‌ها تمایل دارند دارایی‌های نقدی کمتری را نگهداری کنند و سرمایه‌گذاری‌های پر بازده‌تر را جایگزین کنند (راجان^۲، ۲۰۰۶). شایان ذکر است که مطالعه بنیادین برنانکه و بلیندر^۳ (۱۹۸۸) نشان می‌دهد که در بحبوحه تغییرات سیاست پولی، رابطه قوی بین سپرده‌ها و وام‌دهی وجود دارد: انقباض پولی ممکن است باعث کاهش سپرده‌ها به عنوان منبع اصلی وجوه قابل استقراض شود و بانک‌ها در صورت ناتوانی در جایگزینی کسری وجوه قابل استقراض، مجبور به کاهش پرتفوی وام خود می‌شوند. در این راستا، بسیاری از مقالات تجربی با داده‌های بانکی برای بررسی وجود و عملکرد کانال وام‌دهی بانکی انجام شده‌اند. با این حال، این جریان ادبی به جای در نظر گرفتن همزمان سپرده‌ها و سایر اقلام بانکی در واکنش به تعدیل‌های سیاست پولی، تنها بر تغییر عرضه وام به عنوان تنها متغیر مورد مطالعه، متمرکز شده‌اند. مطالعه دانگ و هایونه به بررسی واکنش خلق نقدینگی بانکی به تغییرات سیاست پولی در ویتنام از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۹ می‌پردازد. مهمتر از این، آنها بر این موضوع تمرکز می‌کنند که چگونه قدرت بازار بانک (به دست آمده از طریق شاخص لرنر) و ساختار تامین مالی (مشق شده بر اساس سهم سپرده‌ها و تنوع منابع مالی) کانال خلق نقدینگی بانکی در سیاست پولی را برای مقایسه با کانال وام‌دهی بانک شکل می‌دهد که در ادبیات به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته است. با توجه به تمرکز اخیر بر تحول ساختار تامین مالی و قدرت بازار که بانک‌ها تجربه کرده‌اند و نقش‌های شرطی‌کننده آن‌ها در کانال وام‌دهی بانکی، این موضوع که چگونه رابطه سیاست پولی و خلق نقدینگی از طریق ساختار تامین مالی و قدرت بازار بانک‌ها هدایت می‌شوند، ضروری است. آنها مطالعه خود را با استفاده از رویکرد جدید برگر و بومن^۴ (۲۰۱۷) همراه با برخی اصلاحات پیشنهاد شده توسط برگر

¹ - Valencia

² - Rajan

³ - Bernanke, B.S., & Blinder, A.S

⁴ - Berger, A.N., & Bouwman, C.H.S

و همکاران^۵ (۲۰۱۹) و دانگ^۶ (۲۰۲۰) برای اندازه‌گیری مناسب خلق نقدینگی توسط بانک‌ها در بازارهای نوظهور و کم‌درآمد، انجام می‌دهند. آنها همچنین ابزارهای سیاست پولی متعددی را که بانک مرکزی برای ترسیم تصویر واضح‌تر از آنها استفاده می‌کند، در نظر می‌گیرند. مطالعه آنها یکی از اولین پژوهش‌هایی است که وجود و عملکرد کانال خلق نقدینگی بانکی را بررسی کرده است. مطالعه آنها به مطالعات مرتبط با خلق نقدینگی و کانال وام دهی بانکی کمک می‌کند (دانگ و هایون^۷، ۲۰۲۳). در مطالعه اخیر، برگر و بومن (۲۰۱۷) به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که چگونه سیاست پولی باعث ایجاد نقدینگی بانکی می‌شود و در نتیجه به اصطلاح کانال ایجاد نقدینگی بانکی، موجب انتقال سیاست پولی می‌شود. در عمل، عملیات بانک به طور اجتناب‌ناپذیری با ایجاد نقدینگی برای تقویت اقتصاد مرتبط است. بانک‌ها با استفاده از بدهی‌های نقدی برای تأمین مالی دارایی‌های غیر نقدشونده، نقدینگی در ترازنامه و خارج از ترازنامه از طریق تعهدات اعتباری ایجاد می‌کنند (تاکور^۸، ۲۰۰۵). از این رو، برگر و بومن (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که کانال ایجاد نقدینگی بانکی زمانی وجود دارد که به دنبال یک پیچیده‌تر اجازه دهد برای کلیه اقلام داخل و خارج از ترازنامه، در نتیجه سیاست پولی به عنوان تسهیل‌کننده ممکن است باعث افزایش نقدینگی بانکی، افزایش وجوه قابل وام و عرضه وام شود. در خارج از ترازنامه، بانک‌ها ممکن است تعهدات بیشتری را به مشتریان خود به دلیل وجوه قابل وام بیشتر که همچنین ارزان‌تر هستند، اعطا کنند (کاشیپ و همکاران^۹، ۲۰۰۲). در مجموع، این کانال بانکی جدید پیشنهاد می‌کند تسهیل سیاست پولی می‌تواند تولید نقدینگی را افزایش دهد که یکی از عملکردهای اصلی واسطه‌گری مالی است. احتمال می‌رود تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بر سیاست پولی نقش داشته باشد؛ به طوری که هر یک از این شاخص‌ها بتواند نوساناتی را در سیاست پولی ایجاد نماید و باعث شود تغییراتی را در اجرای فعالیت‌های بانکی ایجاد نماید. از این رو، تلاش این پژوهش بر این است که به این سوال پاسخ دهد که آیا تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی نقشی دارد یا خیر؟

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

سرمایه‌گذاری، در توسعه شرکت‌ها و ایجاد ارزش برای سرمایه‌گذاران نقش حیاتی دارد. سیاست‌های سرمایه‌گذاری شرکت با گستره وسیعی از عوامل گوناگون، شامل شرایط کلی اقتصاد، سیاست‌های پولی کلان، بازار سرمایه و عملیات شرکت ارتباط دارد (ریچاردسون^{۱۰}، ۲۰۰۶). همچنان در دیدگاه اقتصادی با فرض منطقی بودن رفتار افراد، فرض بر این است که همه در وهله نخست به دنبال بیشتر کردن منافع خویش هستند. مدیران نیز از این قاعده مستثنا نیستند. مدیران به ارائه تصویر مطلوبی از وضعیت مالی واحد تجاری به سهام‌داران و سایر افراد ذی‌نفع، در راستای حداکثر کردن منافع شخصی، رفاه اجتماعی و تثبیت موقعیت شغلی خود، علاقه‌مند هستند. بررسی اعتماد بیش از حد مدیران در چارچوب مالی، رفتاری توسعه یافته است. مبنای مالی رفتاری، ادبیات روان‌شناسی شناختی است که اعتقاد دارد به طور کلی افراد بیش از حد خوش بین هستند (هوانگ و کیسچن^{۱۱}، ۲۰۱۳). متون

^۵ - Berger and etal

^۶ - Dang

^۷ - Dang, V. D. & Huynh

^۸ - Thakor

^۹ - Kashyap and etal

^{۱۰} - Richardson

^{۱۱} - Huang, J., Kisgen, D.J

مربوط به روا شناسی دو تعریف از اعتماد بیش از حد ارائه داده اند. نخست اینکه مدیران از توانایی های خود، برآورد بیش از واقع دارند و دوم، آنها یک رویداد را معین تر از آنچه واقعاً هست، می بینند. اطمینان بیش از حد آنچنان پدیده روان شناختی قوی ای است که تجربه نیز نمی تواند آن را حذف کند (خوش طینت و نادى قمى، ۱۳۸۸). به عقیده رول در سال ۱۹۸۶، فرااعتمادی از انواع رایج رفتار غیرمنطقی است و مدیران شرکت تمایل دارند این رفتار را زمانی که تصمیم های تجاری می گیرند، از خود نشان دهند. پژوهش های گذشته نشان داده است که مدیران فرااعتماد تصمیم های سرمایه گذاری را به گونه ای اتخاذ می کنند که به مشکلات سرمایه گذاری بیش از حد و کمتر از حد منتج می شود (لی و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۴). بر اساس شواهد بسیار، مدیران به دانش و توانایی های خود بیشتر از آنچه هست، اعتماد دارند. همچنین، زمانی که قابلیت پیش بینی پدیده ای کم یا مبهم است، متخصصان بیشتر از افراد عادی در معرض اعتماد بیش از حد قرار میگیرند. این رویکرد سبب شده که بسیاری از اقتصاددانان اطمینان بیش از حد را به عنوان ارزیابی بیش از واقع میانگین و ارزیابی کمتر از واقع واریانس توزیع اطلاعات تعریف کنند. جرویس و اودن در سال ۲۰۰۱، اطمینان بیش از حد را به عنوان به روزآوری اریبی عقاید در برابر برآورد اریبی پراکندگی تعریف می کنند (خوش طینت و نادى قمى، ۱۳۸۸). افراد هم در خصوص توانایی های خود در پیش بینی و هم در خصوص دقت اطلاعاتی که در اختیار آنان قرار می گیرد، برآوردی بیش از اندازه دارند. همچنین در تخمین احتمالات، عملکردی ضعیف داشته و رویدادهایی را حتمی می دانند که اغلب احتمال وقوع آنها بسیار کمتر از ۱۰۰ درصد است (بدری، ۱۳۸۸).

طبق نظریه سلسله مراتبی مایرز در سال ۱۹۸۴، شرکتها منابع تأمین مالی خود را بر اساس هزینه های خود اولویت بندی می کنند. بنابراین، آنها ابتدا تأمین مالی داخلی را ترجیح می دهند، سپس به بدهی توجه می کنند و در نهایت، به عنوان گزینه آخر افزایش سرمایه را در نظر می گیرند. مدیران فرااعتماد (مدیرانی که بیش از حد به خود اعتماد دارند)، به دلیل این ویژگی اعتقاد دارند که شرکت آنها کمتر از واقع ارزشیابی شده است، بنابراین تأمین مالی خارجی، به خصوص تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام را به عنوان منبعی گران در نظر می گیرند. در نتیجه، مدیران فرااعتماد در یک سلسله مراتب، سرمایه گذاری داخلی را بر بدهی و بدهی را بر حقوق صاحبان سهام ترجیح می دهند (مالمندیر و تیت^{۱۳}، ۲۰۱۱). از دیدگاه مالی رفتاری، به دلیل آنکه مدیران شرکت بر منابع مالی داخلی کنترل بیشتری دارند، به سرمایه گذاری با استفاده از منابع داخلی در مقایسه با سایر منابع مالی نیز تمایل بیشتری دارند. مدیران فرااعتماد تمایل دارند که کارایی پروژه سرمایه گذاری را با تأمین مالی داخلی نشان دهند. اگر مدیران اجرایی فرااعتماد برای سرمایه گذاری، منابع داخلی کافی داشته باشند و توسط سرمایه بازار یا با سازوکارهای حاکمیت شرکتی محدود نشده باشند، به طور سیستماتیک بازده سرمایه گذاری خود را بیش از حد ارزیابی می کنند. اگر آنها منابع مالی داخلی کافی نداشته باشند، باز هم به انتشار اوراق بهادار (حقوق صاحبان سهام) جدید بی میلی نشان می دهند، زیرا به این درک رسیده اند که سهام شرکت آنها توسط بازار کمتر از ارزش واقعی آنها ارزشیابی شده است. در نتیجه، آنها سرمایه گذاری خود را محدود می کنند. بیش اعتمادی مدیریت می تواند دلیلی برای انحراف سرمایه گذاری (بیش از حد سرمایه گذاری کردن و کمتر از حد سرمایه گذاری کردن) شرکت

¹² - Li and etal

¹³ - Malmendier, U., Tate, G

در نظر گرفته شود، به خصوص در بازاری مانند ایران که حاکمیت داخلی مؤثر و سازوکار نظارت خارجی به شکل مطلوبی مهیا نشده است (نادی قمی و جهانفر، ۱۳۹۹). بیشتر نظریه های اقتصادی بر این اساس بنا شده است که افراد در مواجهه با رویدادهای اقتصادی به طور منطقی عمل می کنند و کلیه اطلاعات موجود را در فرایند سرمایه گذاری در نظر میگیرند. این فرضیه مبنای اصلی فرضیه بازار کارا است، اما پژوهشگران این فرضیه بنیادی را زیر سؤال برده اند و مدارکی کشف کرده اند که نشان دهنده نبود رفتار منطقی در مبحث سرمایه گذاری است. آنها به دنبال درک و توضیح اثرهای احساسات انسانی در فرایند تصمیمگیری هستند. بسیاری از سرمایه گذاران بر این باور هستند که به طور موفقیت آمیزی همیشه میتوانند از بازار جلوتر باشند، اما در واقع شواهد بسیاری وجود دارد که این موضوع را رد میکند، این اطمینان بیش از حد باعث انجام معاملات زیاد و از بین رفتن سود سرمایه گذاران میشود (چاوشی و همکاران، ۱۳۹۴). فرااعتمادی در زندگی روزمره، بارها اتفاق می افتد و به تبع آن، در تصمیمهای سرمایه گذاری نیز ردپای آن مشاهده می شود. افراد در خصوص صحت قضاوت خود بیش اطمینانی داشته و به سختی ممکن است امکان اشتباه در قضاوت خود را در نظر بگیرند. تحلیلگران مالی پس از ارائه گزارش خود به همین علت به سختی از نظر اول خود باز می گردند، حتی زمانی که اطلاعات جدیدی به دست آورده اند و اطلاعات جدید قضاوت قبلی آنها را تحت الشعاع قرار می دهد. در هر صورت، این پژوهش ها بر اثر فرااعتمادی مدیریتی بر ساختار سرمایه شرکت، تأمین مالی خارج از شرکت (شامل تأمین مالی جدید از حقوق صاحبان سهام و تأمین مالی از طریق بدهی)، سررسید بدهی و سایر مسائل تأمین مالی شرکت تمرکز کرده است (ونگ^{۱۴}، ۲۰۲۰).

سیاستهای پولی مجموعه اقداماتی است که بانک های مرکزی (مقام پولی) به منظور کنترل فعالیتهای اقتصادی جامعه به کار می برد. سیاستهای پولی، بر عرضه پول و نرخ بهره اثر می گذارند و از این طریق بسیاری از اهداف اقتصادی؛ مانند افزایش اشتغال، ثبات قیمتها، حل مشکل رکود را متأثر می سازند. سیاستهای پولی اگر منجر به افزایش عرضه پول شوند، حالت انبساطی خواهند داشت در غیر این صورت، انقباضی خواهند بود. به طور کلی سیاستگذاران پولی از اعمال سیاست پولی، اهداف زیر را تعقیب می کنند (تقوی و لطفی، ۱۳۸۸): الف) تسریع رشد اقتصادی. ب) ایجاد اشتغال کامل. ج) تثبیت سطح عمومی قیمتها. د) ایجاد تعادل در موازنه پرداختهای خارجی. البته دستیابی به همه اهداف فوق بطور همزمان، با توجه به تضادی که بین آنها وجود دارد، به تنهایی از عهده سیاست پولی بر نمی آید؛ بلکه لازم است تا از سیاستهای مالی و ارزی مناسب نیز استفاده شود. در واقع، برای تحقق بخشیدن به تعداد مشخصی از اهداف اقتصادی، لازم است که ترکیب مناسبی از سیاستهای پولی، مالی، ارزی مورد استفاده قرارگیرد و بین این سیاستها، هماهنگی لازم وجود داشته باشد؛ چه در غیر اینصورت، اثرات مورد انتظار یک سیاست پولی انقباضی، می تواند با یک سیاست مالی انبساطی از بین برود. بانک های مرکزی و مسئولین پولی کشورهایی که دارای نظام بانکداری غیر اسلامی هستند، برای اجرای سیاستهای پولی و اعتباری می توانند از اهرمها و ابزارهای ذیل استفاده کنند (جلالی نائینی، ۱۳۸۷): الف) عملیات بازار باز (آزاد) ب) تسهیلات تنزیل مجدد و نرخ آن ج) کنترل مستقیم اعتبارات د) تعیین نسبت نقدینگی بانک ها و نسبت ذخیره قانونی بانک ها ه) ترغیب اخلاقی. موارد ذکر شده ابزارهای عمده ای هستند که در سالهای اخیر در بیشتر کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفته اند؛ اما در ایران، پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا و اعمال آن، کارکرد عملیات بازار باز متوقف شد و تا سال ۱۳۷۶ که

¹⁴ - Weng, H

قانون مربوط به اوراق مشارکت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و اجرا گردید، دولت به منظور تأمین کسری بودجه اش متکی به استقراض از سیستم بانکی بویژه بانک مرکزی بود. از سال ۱۳۷۶ به بعد نیز که دولت جهت تأمین مالی کسری بودجه اش اقدام به فروش اوراق مشارکت نمود، بانک مرکزی جهت کنترل حجم پول و پایه پولی اقدام به خرید و فروش اوراق مشارکت در بازار آزاد (بورس اوراق بهادار تهران) نکرده است. لذا با وجود اهمیت بسیار زیاد این ابزار سیاست پولی در بانکداری کلاسیک، در ایران بویژه پس از اعمال بانکداری بدون ربا، امکان استفاده از این ابزار به صورت مؤثر وجود ندارد. سیاست تنزیل نیز که از طریق پایه پولی بر حجم پول اثر می گذارد به لحاظ حرام بودن ربا در اسلام و نیز اعمال بانکداری بدون ربا در ایران، استفاده نشده است. لذا باتوجه به محدودیتهای استفاده از ابزارهای عملیات بازار و سیاست تنزیل در بانکداری اسلامی، بانک مرکزی به منظور کنترل حجم پول، بیشتر توجه خود را به ذخیره قانونی معطوف نموده است. علاوه بر این، بانک مرکزی در چارچوب قانون بانکی بدون ربا و به منظور کنترل حجم پول استفاده از ابزارهای مستقیم سیاست پولی را که در حقیقت همان ایجاد محدودیتهای اعتباری، اولویت در تخصیص اعتبارات بانکی و یا تعیین نرخ سود تسهیلات اعطایی می باشد، مورد توجه قرار داده است (تقوی و لطفی، ۱۳۸۸).

تأمین مالی بانک: موضوع تأمین مالی تولید از اصلی ترین اولویتهای نظام بانکی است. با اجرایی شدن طرح تأمین مالی زنجیره تولید نیاز به نقدینگی واحدها کمتر می شود و در نتیجه آن فشار بر سیستم بانکی کاهش خواهد یافت و شاهد بهبود ترازنامه بانکها خواهیم بود. سیاستی که به جای تمرکز صرف بر نقدینگی بر ابزارهای اعتباری تکیه خواهد شد و در عین حال از انحراف منابع بانکی در بازارهای غیرتولیدی و سفته بازانه جلوگیری و هدایت اعتباری در تولید محقق شود. مزیت این طرح در کاهش مطالبات غیرجاری بانک هاست. در بحث مطالبات غیرجاری قطعاً بدلیل نظامند شدن اعطای تسهیلات و رصد آن شاهد کاهش بدهی ها و مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی خواهیم بود ضمن آنکه هزینه تمام شده محصول با اجرایی شدن طرح تأمین مالی زنجیره ای کاهش می یابد. البته لازم به تأکید است که برای تحقق این مهم، ضروری است که نظام اعتبارسنجی با پیشرفت هرچه بیشتری در شبکه بانکی حاکم شود تا بتوان در عین هدایت اعتبار، اعتبارسنجی مشتریان را نیز محقق کرد (دانگ و هایونه، ۲۰۲۳). تأمین مالی بانکها در ایران چهار مسیر عمده دارد: سپرده ها، سرمایه، بدهی به بانک مرکزی یا سایر بانکها و سپرده گذاری که یکی از منابع اصلی تأمین مالی است. در سالهای اخیر گرایش مشتریان به سپرده های بدون سررسید مشخص که هر زمان قابل برداشت است، مشکلاتی را برای بانکها و مؤسسه های مالی ایجاد کرده است (تهرانی و همکاران، ۱۳۹۸).

قدرت بازار: اقتصاددانان صنعتی معتقدند قدرت بازاری صنعت بانکداری بر نحوه عملکرد بانکها به عنوان واسطه گران پولی تاثیر می گذارد. موانع ورود، ادغام، دریافت امتیاز انحصاری، همکاری و ائتلاف، متفاوت بودن هزینه نهایی، برخورداری بانکها از صرفه های مقیاس بر جریان فعالیت بانکها تاثیر میگذارد. تعیین دراه انحصار و ارزیابی قدرت بازاری، به عنوان مهم ترین روش های مطالعه ساختار هر صنعتی بنگاه را قادر می کند بدون از دست دادن بخش عمده فروش، قیمت کالای خود را افزایش دهند. یکی از رویکردهای شناخت قدرت بازاری محاسبه پارامتریایک شاخص لرنر است که می توان دراه انحراف و نقصان از رقابت را در صنایع تعیین نمود. بر اساس رفتار بنگاه در بازار و بر اساس بهینه یابی به دست آورد. اندازه گیری قدرت انحصاری در سطح بانک (بنگاه) در طی زمان از دیگر مزایای این شاخص است. یکی دیگر از ویژگیهای مهم ساختاری صنعت بانکی که در سالهای اخیر در

کشور نمود بیشتری یافته، دراه انحصار و قدرت بازاری است که بانکها در این صنعت داشته و رقابتی است که قادرند به شکلهای مختلف با یکدیگر انجام دهند. در ادامه، به این مورد پرداخته میشود که این ویژگی ساختاری چگونه قادر است تا بر تعادل اقتصاد اثرگذار باشد. این مسئله که چگونه ساختار بازار اعتبارات بانکی بر اثربخشی سیاست پولی تأثیر میگذارد، نخستین بار توسط آفتالیون و وایت در سال ۱۹۸۷ و بن هوس در سال ۱۹۸۵، بررسی شد. آنها نشان دادند که ساختار بازار بانکی میتواند اثر مهمی بر انتخاب ابزارها و اهداف سیاست پولی مناسب برای سیاستگذاران داشته باشد. از آن پس توجه به این تئوریه‌ها شدت گرفت و مبانی تجربی و نظری در مورد اثرات ساختار بانکی بر سیاستهای پولی تدوین شد (شریفی نیا و همکاران، ۱۳۹۹).

کانال خلق نقدینگی بانک: کنترل رشد مقداری ترازنامه بانکها راهکاری برای جلوگیری از خلق نقدینگی بانکها تلقی می‌شود. همانطور که پیشتر نیز در خبرها آمده است، رشد ترازنامه برای بانکهای تجاری دو درصد در ماه و برای بانکهای تخصصی ۲٫۵ درصد در ماه است. بانک مرکزی نیز به صورت ماهانه این امر را رصد می‌کند و بانکهایی که این امر را رعایت نکنند، با افزایش سپرده قانونی مواجه می‌شوند. لذا یکی از مواردی که باید بر آن نظارت و کنترل صورت گیرد، کنترل خلق پول توسط بانکهاست که یکی از موضوعات مهم برای مهار تورم تلقی می‌شود. البته در صورت تخطی مؤسسه اعتباری از حدود مقرر در ضوابط یاد شده در مقاطع سالیانه، مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره آن به هیئت انتظامی بانکها معرفی می‌شوند. همچنین نرخ سپرده قانونی بانکهای خاکی نیز به دلیل رعایت نکردن ضوابط ناظر بر کنترل مقداری دارایی‌های شبکه بانکی افزایش می‌یابد. از طرفی در کنار این امر کنترل اضافه برداشت بانکها نیز امری کلیدی در کنترل خلق نقدینگی توسط بانکها محسوب می‌شود. ابزارهای اعتباری که جایگزین تمرکز صرف بر نقدینگی می‌شود، می‌توانند راهکاری مناسب برای خلق نقدینگی تلقی شود. حلقه‌ای مفقوده در اقتصاد ایران که می‌تواند در عین رونق بخشی به اقتصاد، عملاً نیاز به نقدینگی را کاهش می‌دهد و در همان حال موجب بهبود ترازنامه بانکها و به اصابت به هدف تسهیلات می‌شود. یکی دیگر از ابزارهایی که بانک مرکزی به واسطه آن دامنه نظارتی خود را بهبود بخشیده، سامانه سمات است. به عبارتی سامانه محوری و استفاده از فناوری‌های روز می‌تواند از خلق نقدینگی توسط بانکها جلوگیری کند. این سامانه به عنوان بانک اطلاعات جامع تسهیلات و تعهدات، اطلاعات مربوطه را جمع‌آوری و مجدداً بین شبکه بانکی به اشتراک می‌گذارد، بر این اساس دسترسی و استعلام از سامانه مذکور برای تمامی شعب سراسر کشور برقرار شده است. بر این اساس بانکها موظفند قبل از ارائه تسهیلات و تعهدات، وضعیت اعتباری مشتریان را در سامانه سمات استعلام کنند و در صورتی که مشتری بر اساس مقررات مربوطه بدحساب شناخته شود، مجاز به ارائه تسهیلات و تعهدات به ایشان نیستند. یکی از گزارشاتی که از این سامانه اخذ می‌شود، «گزارشات نظارتی» مشتمل بر لیست گروه‌های بدهکار و وضعیت بدهی آنها بر اساس آخرین بروزرسانی سامانه توسط شبکه بانکی است. این گزارشات تحلیلی به بررسی مانده بدهی کل مشتریان شبکه بانکی، معادل ریالی اصل تسهیلات پرداختی، مانده بدهی تسهیلات غیرجاری و نسبت غیرجاری، بررسی بخش‌های اقتصادی و محل مصرف تسهیلات، منبع تأمین تسهیلات و هدف از دریافت آن و همچنین تحلیل نسبت‌های موارد اشاره شده در سطح شبکه بانکی می‌پردازد. اهمیت این سامانه در اعتبارسنجی مشتریان و کنترل نسبت بدهی غیرجاری بانکی و کاهش ریسک اعتباری بانکهاست (دانگ و هایونه، ۲۰۲۳).

سیاست پولی بانک: بانک ها از مهم ترین مؤسسات مالی هستند که علاوه بر انتقال وجوه از واحدهای دارای مازاد به واحده ای دارای کسری، نقش منحصر به فردی در انتقال اثرات سیاست پولی از طریق کانال وام دهی بانک دارند. کانال وام دهی بانک بر آثار سیاست پولی بر عرضه اعتبارات و تسهیلات بانکی تمرکز دارد. هنگامی که بانک ها با یک سیاست انقباضی روبه رو هستند، نمی توانند وجوه قابل وام دادن از دست رفته خود را به طور کامل جایگزین نمایند، این بانک ها مجبور به کاهش رفتار وام دهی خود شده و عرضه وام هایشان را کاهش می دهند. این کاهش در عرضه وام ها، هزینه دریافت اعتبار را برای بنگاه ها و خانوارهایی که به بانک ها وابسته اند، افزایش داده و به طور معکوس بر فعالیت های واقعی اقتصاد اثر خواهد گذاشت. در واقع، اگر قرض گیرندگان قادر نباشند تا به عنوان یک راه حل جایگزین به بازار سرمایه متوسل شوند، در این صورت سرمایه گذاری، اشتغال و تولید به طور معکوس تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب می توان ادعا نمود که کانال وام دهی بانک از کانال های انتقال سیاست پولی به بخش واقعی اقتصاد است. در دهه گذشته به دلیل سیاست حمایت از کوچک سازی دولت و اجرای خصوصی سازی بانک های دولتی در مقیاسی بزرگ و نیز تأسیس بانک های خصوصی، صنعت بانکداری کشور تغییرات معناداری را در شرایط رقابتی اش تجربه کرده است. انتظار می رود که این تغییر در شرایط رقابتی صنعت بانکداری و نیز سیاست های اخیر مبنی بر کاهش نرخ بهره وام ها، رفتار وام دهی بانک ها و در نتیجه سازوکار انتقال سیاست پولی از طریق کانال وام دهی را تحت تأثیر قرار داده باشد (نظریان و همکاران، ۱۳۹۲).

با پوشش تغییرات در دارایی ها، بدهی ها و فعالیت های خارج از ترازنامه، ایجاد نقدینگی برتر از وام دهی بانکی در حالت کلی خروجی بانک تلقی می شود (برگر و همکاران، ۲۰۱۹). مطالب گذشته ادبیات نشان داده است که ایجاد نقدینگی بانکی یک عامل تعیین کننده حیاتی در توسعه اقتصاد و ثبات است. به ویژه، ایجاد نقدینگی بانکی ممکن است از رشد اقتصادی حمایت کند (برگر و سدونو^{۱۵}، ۲۰۱۷). در در عین حال، ممکن است احتمال سقوط بانکی را افزایش دهد و منجر به بحران های مالی شود، یا به اندازه کافی رکودهای آینده را پیش بینی کند (چاتارج^{۱۶}، ۲۰۱۸). از این رو مطالعه کانال ایجاد نقدینگی بانکی، تکمیل و گسترش انتقال سیاست پولی از طریق کانال وام دهی بانکی و ارائه پیامدهای روشنگری متعدد برای تنظیم تولید بانک و رشد اقتصادی ایده آل به نظر می رسد. با این حال، درک کانال ایجاد نقدینگی بانکی هنوز بسیار محدود می باشد. همانطور که قبلاً ذکر شد، در مطالعه برگر و بومن (۲۰۱۷) نویسندگان نمونه ای از کارت اعتباری و بانک های تجاری در ایالات متحده را تجزیه و تحلیل کردند. آنها آن را پولی می دانند که شوک های سیاستی تأثیرات جزئی بر ایجاد نقدینگی بانک های کوچک دارد، اما تأثیرات ضعیف و مبهم بر ایجاد نقدینگی در بانک های کوچک بانک های متوسط و بزرگ نشان می دهد. شایان ذکر است که اگرچه نویسندگان وجود کانال ایجاد نقدینگی بانکی را تایید می کنند، اما هنوز به این نتیجه نرسیده اند که به نظر می رسد سیاست پولی به طور کلی ابزار مؤثری در تغییر عملکرد اصلی بانک ها باشد. علاوه بر این، برخی از مقالات تجرب وجود دارد ی که بر انتقال کانال ایجاد نقدینگی بانکی تمرکز ندارند، بلکه سیاست های پولی را معرفی می کنند. شاخص ها در مدل رگرسیونی ایجاد نقدینگی و منجر به الگوهای ترکیبی می شوند (چاتارج، ۲۰۱۵). با توجه به این زمینه، آثار بیشتری برای گسترش ادبیات کانال ایجاد نقدینگی بانکی مورد نیاز است، بنابراین ادعا یا مخالفت اندکی در خصوص یافته های قبلی

¹⁵ - Berger, A.N., & Sedunov

¹⁶ - Chatterjee

و پیشرفت دانش در مورد موضوع فعلی وجود دارد. هدف این مطالعه گسترش زمینه و دامنه موضوع تحقیق از طریق (۱) بررسی کانال ایجاد نقدینگی بانکی است. در یک بازار در حال ظهور، که در آن بانک مرکزی معمولاً ابزارهای مختلف سیاستی را برای دستیابی به اهداف پولی ترکیب می‌کند، و (۲) تجزیه و تحلیل قدرت انتقال پولی تعیین شده توسط ساختار تأمین مالی بانک و قدرت بازار. اولین واقعیت این موضوع با انگیزه تحقیق این است که اجرای سیاست پولی در اقتصادهای پیشرفته با سیاست های پولی در بازارهای نوظهور متفاوت است. به عنوان مثال، در اقتصادهای پیشرفته تر، بانک های مرکزی به طور معمول نرخ بهره را به عنوان ابزار اصلی سیاست اعمال می کنند، در حالی که برخی از ابزارهای غیر نرخ بهره معمولاً در اقتصادهای نوظهور استفاده می شوند تا به عنوان مکمل سیاست پولی مبتنی بر نرخ بهره عمل کنند (چن و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۷). علاوه بر این، اثربخشی انتقال ابزارهای مختلف سیاست پولی نیز ناهمگن است که در بازارهای چند ابزاری مشاهده می شود (وارلیک و برومنت^{۱۸}، ۲۰۱۷). از این رو، بررسی تأثیر تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ضروری به نظر می رسد.

مروری بر نتایج تجربی پژوهش

منفرد و همکاران (۱۴۰۰)، نقش توسعه مالی در کارایی سیاست پولی ایران در تعیین تولید و تورم را بررسی نمودند. نتایج برآورد دو الگوی اول نشان داد با بهبود شاخص های توسعه مالی، کارایی سیاست پولی در اثرگذاری بر رشد اقتصادی کمتر خواهد شد. نتایج برآورد دو الگوی دیگر نیز نشان داد که تأثیر شاخص های توسعه مالی بر کارایی سیاست پولی در اثرگذاری بر تورم منفی و از نظر آماری معنادار بوده است. براساس نتایج پیشنهاد می گردد سیاست گذار اقتصادی در ایران در بخش های سپرده و وام آزادی عمل بیشتری را به بانکها بدهد تا بتوانند کارکرد مناسب تری در اقتصاد آزاد داشته باشد، هرچند این رفتار بازهم سبب تشدید بی ثباتی و تغییرپذیری متغیرها می شود؛ اما می تواند کارکرد واقعی سیاست پولی را هم برای خانوار و هم برای تولیدکننده بهبود دهد.

جلایی اسفندآبادی و ایرانمنش (۱۴۰۰)، به بررسی مقایسه ای تأثیر سیاست های پولی و سیاست های سمت عرضه بر تولید بخش های کشاورزی، خدمات، صنعت و معدن در اقتصاد ایران پرداختند. نتایج نشان می دهد که سیاست پولی در سه بخش اقتصادی سه تأثیر متفاوت ایفا می کند. سیاست پولی در کوتاه مدت قادر به افزایش ارزش افزوده دو بخش کشاورزی و خدمات است اما در بلندمدت تنها می تواند ارزش افزوده بخش خدمات را افزایش بدهد و تأثیری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی ندارد؛ اما اعمال سیاست پولی چه در بلندمدت و چه در کوتاه مدت قادر است تأثیر منفی بر ارزش افزوده صنعت بگذارد. در مقابل تأثیر سیاست طرف عرضه در هر سه بخش و در هر دو دوره کوتاه مدت و بلندمدت مثبت، معنی دار و محسوس است.

توکلیان (۱۴۰۰)، سیاست پولی سیستماتیک و غیرسیستماتیک در اقتصاد ایران را بررسی نمودند. نتایج بیان گر آن است که در کنار سیاست پولی سیستماتیک بدست آمده از الگوی حاضر، موفقیت سیاست گذار پولی در کنترل تورم نه فقط به دلیل کنترل صرف تورم بلکه همچنین به دلایل غیرسیستماتیکی مانند همراهی سیاست مالی از طریق انضباط

¹⁷ - Chen and etal

¹⁸ - Varlik, S., & Berument

مالی و مدیریت درآمدهای نفتی توسط دو سیاست گذار پولی و مالی بوده که در چارچوب سیاست پولی سیستماتیک نمی گنجد.

شریفی نیا و همکاران (۱۳۹۹)، به ارزیابی تأثیر قدرت رقابتی و سیاست پولی بر بازده دارایی در بانک های ایران پرداختند. نتایج نشان داد افزایش قدرت بازاری و سیاست پولی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ بازده دارایی بانکهای خصوصی و دولتی است. اثربخشی متفاوت سیاست پولی در بین بانک های با ویژگیهای مختلف از نظر اندازه و سرمایه و نقدینگی مورد تایید قرار گرفته است.

نادی قمی و جهانفر (۱۳۹۹)، به بررسی رابطه بین فراتمدادی مدیریت، تأمین مالی داخلی و کارایی سرمایه گذاری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران پرداختند. نتایج نشان می دهد که بین فراتمدادی مدیریت و تأمین مالی داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد و بین تأمین مالی داخلی و میزان سرمایه گذاری رابطه معناداری وجود دارد، در نتیجه فراتمدادی مدیریت بر رابطه بین تأمین مالی داخلی و کارایی سرمایه گذاری اثر معناداری ندارد. دانگ و هایونه (۲۰۲۳)، به بررسی تأثیر تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانکها پرداختند. نتایج نشان داد هر یک از متغیرها تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی می تواند بر سیاست پولی بانک تأثیرگذار باشد و سیاست پولی نقش تسهیل کننده در فعالیت های بانکی داشته باشد.

پارک و همکاران^{۱۹} (۲۰۲۰)، نشان می دهند که سیاست پولی غیرسیستماتیک در آمریکا که به صورت نااطمینانی سیاست پولی از آن یاد می کنند، باعث افزایش واریانس نرخ ارز و اثرات ناهمگن بر اقتصادهای آسیا دارد. در این راستا، تغییرات غیرسیستماتیک نرخ بهره فدرال رزرو به عنوان مبنای نااطمینانی سیاست پولی در نظر گرفته شده و نشان داده می شود که تأثیر سیاست پولی غیر سیستماتیک در آمریکا بر واریانس نرخ ارز در کشورهای آسیایی می تواند اثرات سوئی بر تجارت بین الملل داشته باشد.

کازورزی و همکاران^{۲۰} (۲۰۲۰)، به دنبال بررسی انتقال بین المللی سیاست های پولی سیستماتیک و غیرسیستماتیک بانک مرکزی اروپا و فدرال رزرو هستند. با تفکیک شوک های خالص سیات پولی به شکل سیاست های غیرسیستماتیک پولی نشان می دهند که این سیاست های سرریزهای جهانی به شکل سلسله مراتبی به همراه دارند به نحوی که سیاست های فدرال رزرو تأثیر قابل توجهی بر بازارهای مالی و بخش حقیقی منطقه یور و دارد. همچنین سیاست های پولی فدرال رزرو تأثیر بزرگ قابل توجهی بر سیاست های پولی و متغیرهای مالی و حقیقی سایر نقاط دنیا دارد.

جیانونه و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۹)، برای بررسی مکانیزمی که از طریق آن تکانه های ادواری به اقتصاد منطقه یورو، تکانه های سیاست پولی به صورت سیاست پولی غیرسیستماتیک را شناسایی می کنند. مقایسه بین واکنش ها نسبت به سیاست پولی سیستماتیک و غیرسیستماتیک امکان توضیح عوامل کلیدی پشت همبستگی های ادواری را مهیا می سازد. نتایج تجربی آن ها نشان می دهد که تکانه های سیاست پولی یا همان سیاست پولی غیرسیستماتیک بر خلاف رویکرد مرسوم که نشان دهنده همبستگی مثبت بین نرخ بهره کوتاه مدت به شکل سیاست پولی سیستماتیک و فعالیت های اقتصادی، بیان گر رابطه منفی است.

¹⁹ - Park and etal

²⁰ - Ca'Zorzi and etal

²¹ - Giannone and etal

فرضیات اصلی و فرعی به صورت ذیل تدوین شده است:

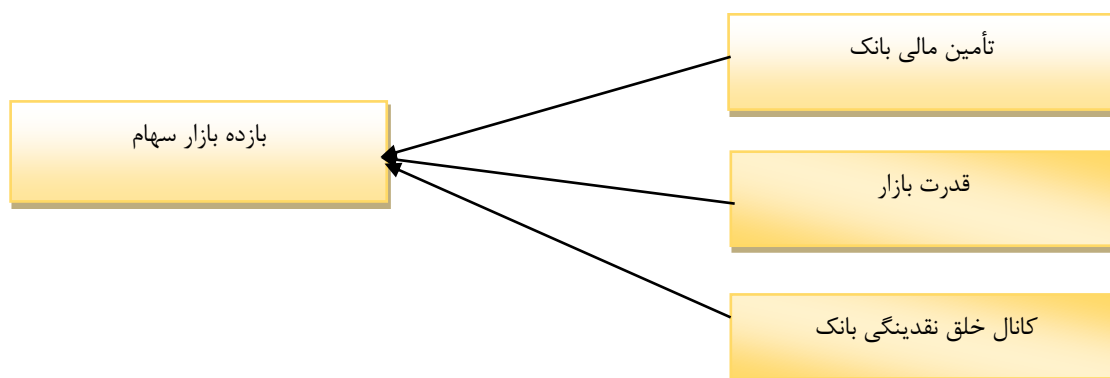
فرضیه اصلی: تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانکها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی اول: تأمین مالی بانک بر سیاست پولی بانکها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: قدرت بازار بر سیاست پولی بانکها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی سوم: کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانکها تأثیر معناداری دارد.

مدل مفهومی پژوهش:



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

روشی که در این پژوهش استفاده شده است توصیفی - تحلیلی؛ و از نوع کاربردی می‌باشد و یک تحقیق تاریخی یا پس‌رویدادی است. براساس هدف این موضوع، از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است چراکه بدنبال بررسی تأثیر تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی (مطالعه موردی: بانکهای تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس) می‌باشد. داده‌ها از صورت‌های مالی بانکهای تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت سری زمانی سالانه از سالهای ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۳ به مدت ۶ سال می‌باشد و از طریق سایت‌ها و نرم افزارهای خاص مورد تأیید بورس اوراق بهادار تهران گردآوری گردیده است.

جامعه آماری مربوط به بانکهای تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس و در بین سالهای ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۳ به مدت ۶ سال می‌باشند، بنابراین حجم نمونه آماری بر اساس شرایط ذیل تنظیم می‌شود:

- ۱- اطلاعات مالی بانکها در بازه زمانی مورد بررسی در دسترس باشد.
 - ۲- از زمان عضویت آنها در بورس حداقل ۲ سال گذشته باشد.
 - ۳- در صورتی که در بازه زمانی مورد نظر، توقف فعالیت وجود داشته باشد.
- بنابراین نمونه آماری با غربالگری فوق از جامعه آماری بدست آمده است.

قلمروهای پژوهش نیز شامل:

- بعد مکانی: بورس اوراق بهادار تهران
- بعد زمانی: بین سالهای ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۳ به مدت ۶ سال

• بعد موضوعی: بررسی تأثیر تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی (مطالعه موردی: بانک های تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس) این موضوع برای رشته حسابداری - مدیریت مالی مناسب است.

لازم به ذکر است پس از انجام غربال فوق، نمونه آماری که تعداد آنها به ۲۱ بانک تجاری و موسسات مالی می رسد.

جدول ۱: نمونه آماری

۵۶۴	کلیه مشاهدات نمونه آماری از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳
(۲۶۳)	اطلاعات مالی بانکها در دسترس نبوده و یا ناقص بوده است.
(۲۵۴)	بانکها در طول دوره تحقیق عضو بورس نباشند یا از زمان عضویت آنها ۲ سال نگذشته باشد.
(۲۴)	در بازه مورد نظر دارای توقف فعالیت می باشد
۲۱	نمونه انتخابی

مدل رگرسیونی به صورت زیر است:

$$MP = \beta_0 + \beta_1 BF_{it} + \beta_2 BMP_{it} + \beta_3 BLCC_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 BC_{it} + \varepsilon$$

متغیر وابسته:

➤ سیاست پولی (MP) i در سال t

متغیرهای مستقل:

➤ تأمین مالی بانک (BF) i در سال t

➤ قدرت بازاری بانک (BMP) i در سال t

➤ کانال خلق نقدینگی بانک (BLCC) i در سال t

متغیرهای کنترلی:

➤ اندازه بانک (Size) i در سال t

➤ سرمایه بانک (BC) i در سال t

روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته؛

سیاست پولی (MP): از نرخ ذخیره قانونی استفاده می شود که در بانکها مطرح شده است.

متغیرهای مستقل:

تأمین مالی بانک (BF): از نسبت سود انباشته به کل دارایی های بانک بدست آمده است:

قدرت بازاری بانک (BMP): برای اندازه گیری قدرت بازاری از شاخص لرنر استفاده شده است که به صورت زیر می باشد:

$$L = P - MC/P$$

که در آن P قیمت تولید و C هزینه نهایی تولید می باشد. هرچه ارزش این شاخص بیشتر باشد، درجه قدرت بازاری بالاتر است. برآورد شاخص قدرت بازاری با استفاده از تابع بالا مشکل است و از روش ساده تر انجام می پذیرد. در برآورد شاخص لرنر به عنوان شاخص ساختاری قدرت بازاری برای محاسبه هزینه نهایی از تابع هزینه مرزی ترانسلوگ استفاده می شود که فقط شامل هزینه های عملیاتی است. این تابع، هزینه های جذب سپرده (تأمین مالی) و قیمت سپرده ها را در نظر نمی گیرد و صرفاً نهاده های فیزیکی مانند نیروی کار و سرمایه و هزینه های آنها در تحلیل ها وارد می شوند، زیرا برای انجام معاملات و گردآوری اسناد مالی به نهاده های فیزیکی احتیاج می شود. تابع هزینه مورد استفاده به صورت رابطه زیر است (دانگ و هایونه، ۲۰۲۳؛ شریفی نیا و همکاران، ۱۳۹۹):

$$C = f(x) + v + u$$

$$C = f(D, L, W_l, W_k) + v + u$$

در تابع فوق C هزینه عملیاتی بانک که از مجموعه هزینه پرسنلی، هزینه استهلاک، اداری و سایر هزینه ها از صورت سود و زیان بانکها استخراج شده اند، L وام و تسهیلات اعطایی، D مقدار سپرده گذاری، W_l قیمت نیروی کار که از نسبت های هزینه پرسنلی در صورت سود و زیان هر بانک از گزارش عملکرد صنعت بانکی در هر سال استخراج می شود به دارایی های کل هر بانک به دست می آید. W_k قیمت نهاده سرمایه، V جزء خطای تصادفی با توزیع نرمال، U جزء خطای عدم کارایی، متغیر تصادفی غیرمنفی و بیانگر ناکارایی است (دانگ و هایونه، ۲۰۲۳؛ شریفی نیا و همکاران، ۱۳۹۹).

کانال خلق نقدینگی بانک (BLCC): نسبت دارایی های نقد به کل دارایی ها در سطح بانک
متغیرهای کنترلی:

اندازه بانک (Size): لگاریتم طبیعی دارایی ها

سرمایه بانک (BC): نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی ها

یافته های پژوهش

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
سیاست پولی	۰/۴۷	۰/۴۳	۰/۹۷	۰/۰۱	۰/۴۹	۱/۱۷	۱/۰۵
تأمین مالی بانک	۰/۶۱	۰/۵۹	۰/۹۳	۰/۱۲	۱/۲۸	۱/۱۹	۱/۹۹
قدرت بازاری بانک	۰/۵۸	۰/۵۴	۰/۷۷	۰/۰۷	۰/۴۹	۱/۱۲	۱/۰۱
کانال خلق نقدینگی بانک	۰/۴۵	۰/۴۱	۰/۸۶	۰/۱۱	۰/۳۵	۱/۹۸	۰/۹۳
اندازه بانک	۰/۷۹	۰/۷۴	۰/۹۸	۰/۲۴	۱/۴۸	۱/۷۶	۱/۴۳
سرمایه بانک	۰/۸۸	۰/۸۶	۰/۸۱	۰/۱۹	۰/۲۸	۱/۸۴	۱/۱۱

در جدول فوق ملاحظه می‌گردد که میانگین به میانه نزدیک می‌باشد و این مسأله نمایان کننده نرمال بودن توزیع متغیرها می‌باشد. در تمام موارد انحراف معیار داده ها کوچک می‌باشد و همچنین بیان کننده توزیع مناسب داده ها می‌باشد. همچنین چولگی بدست آمده طبق جدول فوق برای تمامی متغیرها، با مقادیر مثبت نشان داده شده است که نشان از توزیع نامتقارن به سمت مقادیر بالاتر یا چولگی مثبت می باشد.

آزمون همبستگی پیرسون

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی پیرسون

سیاست	تأمین مالی	قدرت بازاری	کانال خلق	اندازه	سرمایه
پولی	بانک	بانک	نقدینگی	بانک	بانک
سیاست پولی	۱/۰۰۰ ---				
تأمین مالی بانک	-۰/۰۳ ۰/۰۰۲	۱/۰۰۰ ---			
قدرت بازاری بانک	۰/۰۲ ۰/۰۴	-۰/۰۰۸ ۰/۴۸	۱/۰۰۰ ---		
کانال خلق نقدینگی بانک	۰/۵۱ ۰/۰۰۰	۰/۱۷ ۰/۰۰۰	۰/۶۳ ۰/۰۰۰	۱/۰۰۰ ---	
اندازه بانک	۰/۳۲ ۰/۰۳	۰/۱۴ ۰/۱۱	۰/۵۱ ۰/۰۰۰	۱/۰۰۰ ---	
سرمایه بانک	۰/۱۳ ۰/۰۲	۰/۱۵ ۰/۰۹	۰/۲۶ ۰/۱۱	۰/۱۳ ۰/۶	۱/۰۰۰ ---

در جدول بالا میزان همبستگی در سطر اول و معنی داری همبستگی در سطر دوم نوشته شده است. در صورتی که معنی داری کمتر از ۰/۰۵ باشد همبستگی مورد نظر از نظر آماری معنی دار است.

بررسی مدل پژوهش با استفاده از آزمون‌های چاو و هاسمن

جدول ۴- نتیجه آزمون چاو و هاسمن

نام آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
آزمون چاو	۴/۰۱	(۲۰ و ۱۲۵)	۰/۰۰۰	استفاده از مدل داده های ترکیبی
هاسمن	۰/۰۰۰	۵	۱/۰۰۰	استفاده از اثرات ثابت

ملاحظه می‌شود سطح معناداری آزمون چاو در هر دو معادله مورد بررسی کمتر از $\alpha=0/05$ محاسبه شده لذا با اطمینان ۹۵٪ امکان برآورد هر دو مدل با استفاده از مدل داده های ترکیبی تأیید می‌شود. با توجه به اینکه برای هر دو مدل فرض

صفر آزمون چاو مبنی بر برابری عرض از مبدأها رد شد، در ادامه به منظور تشخیص وجود اثرات ثابت یا وجود اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

ملاحظه می‌شود سطح معناداری آزمون هاسمن برای هر دو معادله مورد بررسی قرار گرفته است، با توجه به برابر بودن سطح معنی داری آزمون هاسمن برای معادله دوم برابر با یک $prob=1/000$ آزمون هاسمن در این معادله تخمین رای به استفاده از اثرات ثابت می‌دهد؛ چرا که در حالت برابر بودن سطح معنی داری آزمون هاسمن با عدد یک تنها حالتی است که با وجود بیش از ۰/۰۵ بودن سطح معنی داری، نمیتوان به نتیجه ارائه شده از آزمون هاسمن اعتماد کرد و باید از اثرات تصادفی استفاده کرد.

آزمون فرضیه‌ها

جدول ۵- نتایج برازش مدل رگرسیونی

متغیر پاسخ = سیاست پولی				
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره آزمون t	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	۱/۹۶	۰/۱۳	۱۴/۴۳	۰/۰۰۰
تأمین مالی بانک	۰/۱۷	۰/۰۲۰	۱۱/۴۵	۰/۰۰۰
قدرت بازاری بانک	۰/۰۵۷	۰/۰۳۶	۱/۵۶	۰/۰۰۰
کانال خلق نقدینگی بانک	۰/۰۴۸	۰/۰۱۳	۳/۷۱	۰/۰۰۰
اندازه بانک	۰/۲۶	۰/۰۰۳۳	۷۸/۴۶	۰/۰۰۰
سرمایه بانک	۰/۱۰۸	۰/۰۰۰	۳۴۷/۷۳	۰/۰۰۰
آماره آزمون $F = ۷۹۱/۹$				
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۸۷				
سطح معناداری = ۰/۰۰۰				
آماره $D.W = ۲/۲۰$				

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانک های تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد آزمون قرار داده است طبق نتایج حاصل شده سطح معنی داری: صفر و آماره دوربین واتسن: ۲/۲۰ گزارش شده است و چون این عدد بین (۱/۵ و ۲/۵) می‌باشد فرضیه فوق را مورد تأیید قرار میدهد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده و آماره آزمون F نیز در تأیید فرضیه فوق بی تأثیر نمی‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

براساس نتایج بدست آمده و تجزیه و تحلیل صورت گرفته مشخص شد که تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانک های تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذاری مثبت و مستقیمی دارد به طوری که افزایش هر یک از شاخص های تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال

خلق نقدینگی بانک می تواند منجر به رشد سیاست پولی بانک شود؛ چراکه بهبود فعالیت ها، سرمایه گذاری ها، پس اندازها، جذب مشتریان، رشد عملکرد و غیره را به همراه دارد. بنابراین با افزایش تأمین مالی، بانک می تواند سیاست پولی بهتری را به کار گیرد و منجر به بهبود روند کاری خود شود؛ همچنین با افزایش قدرت بازار، منجر می شود سپرده گذاران و سرمایه گذاران بیشتری جذب شوند و منجر به کاربرد سیاست پولی گردند و در نتیجه بهبود روند کاری بانک را به همراه دارد و در نهایت با افزایش ایجاد نقدینگی نیز می توان باعث شد که از سیاست پولی بهتری بهره مند شد و در نهایت فعالیت بانکی رشد پیدا نماید و منجر به بهبود عملکرد بانک گردد.

نتایج پژوهش در خصوص فرضیه اصلی حاکی از آن است که تأثیر تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانک های تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس مورد تأیید قرار گرفت؛ باتوجه به تحلیل مدل رگرسیونی تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک می تواند بر سیاست پولی بانک های تجاری و موسسات مالی تأثیرگذار باشد به طوری که با توجه به آزمون t در این پژوهش، نقش متغیر مستقل بر متغیر وابسته به صورت مثبت و مستقیم می باشد؛ به عبارت دیگر، در صورتی که هر یک از شاخص های تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی افزایش یابد، باعث افزایش سیاست پولی می شود؛ چراکه هرچه شاخص های تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی دارای ارزش بیشتری باشد، باعث می شود سیاست پولی افزایش پیدا نماید، بنابراین منجر به بهبود فعالیت های بانکی و افزایش سودآوری بانک ها و موسسات مالی می گردد؛ این نتایج با پژوهش دانگ و هایونه (۲۰۲۳)، پارک و همکاران (۲۰۲۰)، منفرد و همکاران (۱۴۰۰)، هم راستا و هم سو می باشد.

نتایج پژوهش در خصوص فرضیه فرعی اول حاکی از آن است که تأثیر تأمین مالی بانک بر سیاست پولی بانک های تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس مورد تأیید قرار گرفت؛ باتوجه به تحلیل مدل رگرسیونی تأمین مالی بانک می تواند بر سیاست پولی بانک ها تأثیرگذار باشد به طوری که با توجه به آزمون t در این پژوهش، نقش متغیر مستقل بر متغیر وابسته به صورت مثبت و مستقیم می باشد؛ به عبارت دیگر، در صورتی که بانک تأمین مالی شود، باعث می شود سرمایه گذاری بهتری انجام دهد یا فعالیت های خود را بهبود بخشد و از سیاست پولی بهتری بهره مند شود که در نهایت منجر به سوددهی بیشتر بانک می گردد؛ این نتایج با پژوهش دانگ و هایونه (۲۰۲۳)، کازورزی و همکاران (۲۰۲۰)، جلالی اسفندآبادی و ایرانمنش (۱۴۰۰)، هم راستا و هم سو می باشد.

نتایج پژوهش در خصوص فرضیه فرعی دوم حاکی از آن است که تأثیر قدرت بازار بر سیاست پولی بانک های تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس تهران مورد تأیید قرار گرفت؛ باتوجه به تحلیل مدل رگرسیونی افزایش قدرت بازار می تواند منجر به افزایش سیاست پولی گردد به طوری که با توجه به آزمون t در این پژوهش، نقش متغیر مستقل بر متغیر وابسته به صورت مثبت و مستقیم می باشد؛ به عبارت دیگر، در صورتی که قدرت بازار افزایش یابد، باعث بهبود فعالیت های بانکی و افزایش عملیات آن می شود در نتیجه سیاست های پولی نیز رونق بیشتری پیدا می کند و در نهایت منجر به بهبود عملکرد بانک می شود؛ این نتایج با پژوهش دانگ و هایونه (۲۰۲۳)، جیانونه و همکاران (۲۰۱۹)، توکلیان (۱۴۰۰)، هم راستا و هم سو می باشد.

نتایج پژوهش در خصوص فرضیه فرعی سوم حاکی از آن است که تأثیر کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانک های تجاری و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس مورد تأیید قرار گرفت؛ باتوجه به تحلیل مدل رگرسیونی کانال خلق نقدینگی بانک نیز می تواند بر سیاست پولی بانک ها تأثیرگذار باشد به طوری که با توجه به آزمون t در این

پژوهش، نقش متغیر مستقل بر متغیر وابسته به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد؛ به عبارت دیگر، در صورتی که کانال خلق نقدینگی بانک افزایش یابد، باعث افزایش سیاست پولی نیز می‌شود که این مسئله نیز منجر به بهبود فعالیت های بانکی می‌شود و در نهایت رشد عملکرد آن می‌شود و با ایجاد نقدینگی می‌توان سرمایه گذاری بانک را نیز بهبود بخشید؛ این نتایج با پژوهش دانگ و هایونه (۲۰۲۳)، هی و همکاران (۲۰۱۹)، شریفی نیا و همکاران (۱۳۹۹)، هم‌راستا و هم‌سو می‌باشد.

پیشنهادهای کاربردی و برای محققان آتی

براساس فرضیه اصلی می‌توان به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و بانک مرکزی پیشنهاد نمود تا جهت استفاده از سیاست پولی به منظور بهبود عملکرد فعالیت های بانکی، به تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال ایجاد نقدینگی توجه نمایند و فعالیت های خود را بر مبنای سیاست پولی لحاظ شده در این راستا پیش ببرند. همچنین بانک مرکزی و سازمان بورس می‌توانند خط مشی ها یا سیاست هایی را در خصوص تأمین مالی بانک، قدرت بازاری و کانال خلق نقدینگی با سیاست پولی ارائه نمایند و در اختیار بانک های تجاری و موسسات مالی قرار دهند تا بتوانند با این فرآیندها راهکارهای بهتری را جهت افزایش کارایی و اثربخشی بانک به کار گیرند و منجر به بهبود فعالیت ها و عملکرد بانک شوند و منجر به جذب مشتری، افزایش سپرده گذاری، بهبود فعالیت شوند.

براساس فرضیه فرعی اول می‌توان پیشنهاد نمود مدیران بانک ها پیشنهاد نمود تا جهت کاربرد و استفاده از سیاست پولی به منظور بهبود عملکرد فعالیت های بانکی، به تأمین مالی بانک پردازند و فعالیت های خود را بر مبنای سیاست پولی لحاظ شده پیش ببرند. همچنین بانک های تجاری و موسسات مالی می‌توانند از خط مشی ها و سیاست های ارائه شده توسط بانک مرکزی و سازمان بورس در خصوص تأمین مالی بانک و سیاست پولی استفاده نمایند تا بتوانند با تأمین مالی راهکارهای بهتری را جهت افزایش کارایی و اثربخشی بانک به کار گیرند و منجر به بهبود فعالیت ها و عملکرد بانک شوند.

براساس فرضیه فرعی دوم می‌توان پیشنهاد نمود در بانکها جهت استفاده از سیاست پولی به منظور بهبود جذب مشتریان و افزایش سپرده گذاران از قدرت بازار استفاده نماید و در این راستا نیز از خط مشی ها و سیاست های طراحی شده توسط بانک مرکزی استفاده نمود تا بتوان راهکارهای بهتری را به کار گرفت و منجر به بهبود فعالیت ها و جذب مشتریان شد تا سپرده های بیشتری را سپرده گذاری نمایند و سهامداران بیشتری را به سوی بانکها و سرمایه گذاری هدایت نمایند و با این فرآیند بتوانند منجر به بهبود عملکرد بانک و افزایش کارایی آن شوند.

براساس فرضیه فرعی سوم می‌توان پیشنهاد نمود در بانکها جهت کاربرد سیاست های پولی مناسب به منظور بهبود عملکرد بانکی و فعالیت های مربوط به آن، به کانال خلق نقدینگی توجه نمود و در این راستا نیز از سیاست ها و خط مشی های منظور شده توسط بانک مرکزی استفاده نمایند تا بتوانند علاوه بر بهبود فعالیت ها، سپرده های بیشتری را سپرده گذاری نمایند و باعث اعتماد مشتریان به بانکها و عملکرد آنها گردند؛ همچنین اعتبار و ارزش بانک نیز افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه تداوم فعالیت بانکی را به همراه دارد و می‌تواند سودآوری و کارایی بانک را نیز تقویت بخشد.

پیشنهاد می‌شود، تأثیر تأمین مالی بانک، قدرت بازار و کانال خلق نقدینگی بانک بر سیاست پولی بانکها را با توجه به نقش متغیرهایی مانند بحران اقتصادی، عوامل محیطی و شرایط عدم اطمینان بازار با استفاده از منطق فازی، مالکیت دولتی و مالکیت حقیقی، اجتناب و فرار مالیاتی، عوامل فرهنگی و کاربرد آن، حسابرس و حق الزحمه حسابرسی،

ریسک و بازده سهام، مدیریت سود و تقسیم سود، اعتبار و ارزش بانک، عدم تقارن اطلاعاتی و کارایی سرمایه گذاری، احتمال وقوع ورشکستگی

منابع و مأخذ

- بدری، احمد (۱۳۸۸). دانش مالی رفتاری و مدیریت دارایی، (چاپ سوم)، تهران: شرکت انتشارات کیهان.
- تقوی، مهدی، لطفی، علی اصغر (۱۳۸۸). بررسی اثرات سیاست پولی بر حجم سپرده ها، تسهیلات اعطایی و نقدینگی نظام بانکی کشور، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۱-۱۶۵.
- توکلیان، حسین (۱۴۰۰). سیاست پولی سیستماتیک و غیرسیستماتیک در اقتصاد ایران، تحقیقات مدل سازی اقتصادی، ۱۲ (۴۳)، ۱۷۷-۲۰۵.
- تهرانی، رضا، میرلوحی، سیدمجتبی، مهرآرا، محسن، لطفی قهرود، مجید (۱۳۹۸). تأثیر پاداش های قراردادی بر سپرده های بدون سررسید مشخص و تأمین مالی باثبات در بانک مطالعه موردی: بانک ملت، فصلنامه علمی -پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۷ (۱)، ۴۵-۶۲.
- جلائی اسفندآبادی، سیدعبدالحمید، ایرانمنش، نسیم (۱۴۰۰). بررسی مقایسه ای تأثیر سیاست های پولی و سیاست های سمت عرضه بر تولید بخش های کشاورزی، خدمات، صنعت و معدن در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۱ (۴۲)، ۵۹-۸۰.
- جلالی نائینی، مهدی (۱۳۸۷). گزینه های سیاست پولی و ارزی و کنترل تورم، مجموعه مقالات ارائه شده در دومین همایش اقتصاد ایران، تهران،
- خوش طینت، محسن؛ نادی قمی، ولی اله (۱۳۸۸). چارچوب ارتباط رفتار بیش از حد سرمایه گذاران با بازده سهام. فصلنامه مطالعات حسابداری، ۲۵؛ ۵۳-۸۶.
- چاوشی، کاظم؛ رستگار، محمد و میرزایی، محسن (۱۳۹۴). بررسی رابطه اطمینان بیش از حد مدیران و انتخاب سیاست های تأمین مالی در شرکت های در پذیرفت هشده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۸ (۲۵)، ۲۹-۴۱.
- شریفی نیا، حسین، مومنی وصالیان، هوشنگ، دقیقی اصلی، علیرضا، دامن کشیده، مرجان، افشاری راد، مجید (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر قدرت رقابتی و سیاست پولی بر بازده دارایی در بانک های ایران (رهیافت الگوهای ساختاری)، فصلنامه اقتصاد مالی، ۴ (۵۱)، ۱-۲۸.
- شریفی نیا، حسین، مومنی وصالیان، هوشنگ، دقیقی اصلی، علیرضا، دامن کشیده، مرجان، افشاری راد، مجید (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر قدرت رقابتی و سیاست پولی بر بازده دارایی در بانک های ایران (رهیافت الگوهای ساختاری)، فصلنامه اقتصاد مالی، ۴ (۵۱)، ۱-۲۸.
- منفرد، سیده مریم، محمدی، تیمور، خضری، محمد، پریور، اورانوس (۱۴۰۰)، نقش توسعه مالی در کارایی سیاست پولی ایران در تعیین تولید و تورم، ۱۵ (۳)، ۱۱۳-۱۳۸.
- نادی قمی، ولی، جهانفر، سهیل (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین فراتمدادی مدیریت، تأمین مالی داخلی و کارایی سرمایه گذاری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۶ (۱۵)، ۱-۲۶.

نظریان، رافیک، فرهادی پور، محمدرضا، فرجی، علی (۱۳۹۲). تأثیر رقابت در صنعت بانکداری بر اثربخشی انتقال آثار سیاست پولی از طریق کانال وام دهی بانک، فصلنامه روند، ۲۰ (۶۱)، ۴۳-۷۴.

- Berger, A.N., Bouwman, C.H.S., 2017. Bank liquidity creation, monetary policy, and financial crises. *J. Financ. Stab.* 30, 139–155
- Berger, A.N., Boubakri, N., Guedhami, O., Li, X., 2019. Liquidity creation performance and financial stability consequences of Islamic banking: *evidence from a multinational study*. *J. Financ. Stab.* 44
- Berger, A.N., Sedunov, J., 2017. Bank liquidity creation and real economic output. *J. Bank. Financ.* 81, 1–19.
- Berger, A. N., & Bouwman, C. H. S. (2009). Bank liquidity creation. *The Review of Financial Studies*, 22 (9), 3779–3837.
- Bernanke, B.S., Blinder, A.S., 1988. Credit, money, and aggregate demand. *Am. Econ. Rev.* 78, 435–439.
- Ca'Zorzi, M., Dedola, L., Georgiadis, G., Jarocinski, M., Stracca, L., & Strasser, G. (2020). Monetary policy and its transmission in a globalised world. *European Central Bank Working Paper Series*, No 2407.
- Chatterjee, U.K., 2018. Bank liquidity creation and recessions. *J. Bank. Financ.* 90, 64–75.
- Chatterjee, U.K., 2015. Bank liquidity creation and asset market liquidity. *J. Financ. Stab.* 18, 139–153.
- Chen, M., Wu, J., Jeon, B.N., Wang, R., 2017. Monetary policy and bank risk-taking: evidence from emerging economies. *Emerg. Mark. Rev.* 31, 116–140.
- Dang, V.D., 2020a. Do non-traditional banking activities reduce bank liquidity creation? Evidence from Vietnam. *Res. Int. Bus. Financ.* 54
- Dang, V. D. Huynh. J. (2023). Bank funding, market power, and the bank liquidity creation channel of monetary policy. *Research in International Business and Finance* 59 (2022) 101531.
- Giannone, D., Lenza, M., & Reichlin, L. (2019). Money, credit, monetary policy and the business cycle in the euro area: what has changed since the crisis? *European Central Bank Working Paper Series*, No 2226.
- Huang, J., Kisgen, D.J. (2013). Gender and corporate finance: are male executives overconfident relative to female executives? *Journal of Financial Economics*, 108 (3), 822–839.
- Kashyap, A.K., Rajan, R., Stein, J.C., 2002. Banks as liquidity providers: an explanation for the coexistence of lending and deposit-taking. *J. Finance* 57, 33–73.
- Li, W.L., Xie, G.L., Hao, J.Y. (2014). The empirical study on the influence of managerial over-confidence on overinvest behavior. *J. Shanxi Finance Econ. Univ*, 10, 76–86.
- Malmendier, U., Tate, G. (2011). Who makes acquisitions? CEO overconfidence and the market's reaction. *Journal of Financial Economics*, 89 (1), 20–43.
- Park, D., Qureshi, I., Tian, S., & Villaruel, M. L. (2020). Impact of US monetary policy uncertainty on Asian exchange rates. *Economic Change and Restructuring*, 1-10.
- Rajan, R.G., 2006. Has finance made the world riskier? *Eur. Financ. Manag.* 12, 499–533
- Richardson, S.A. (2006). Over-investment of free cash flow. *Review of Accounting Studies*, 11, 159–189.
- Thakor, A.V., 2005. Do loan commitments cause overlending? *J. Money Credit Bank.* 37, 1067–1099
- Valencia, F., 2014. Monetary policy, bank leverage, and financial stability. *J. Econ. Dyn. Control* 47, 20–38.
- Varlik, S., Berument, M.H., 2017. Multiple policy interest rates and economic performance in a multiple monetary-policy-tool environment. *Int. Rev. Econ. Financ.* 52, 107–126

Weng, H. (2020). Review of Managerial Overconfidence and Corporate Acquisition Goodwill Impairment Research. *Open Journal of Social Sciences*, 8, 121-128.

The role of bank financing, market power, and bank liquidity creation channel on banks' monetary policy

Mohammad Reza Gholami ^{*2}

Abstract

The main objective of this study is to investigate the effect of bank financing, market power, and bank liquidity creation channel on monetary policy (case study: commercial banks and financial institutions listed on the stock exchange). The statistical population and its data are commercial banks and financial institutions listed on the Tehran Stock Exchange, which were considered for 6 years from 2018 to 2023; the statistical sample was 21 banks selected by elimination method. The research method used in this study is descriptive-analytical and historical data were collected and classified by referring to financial statements and financial reports using the new Rahavard Novin software. The panel data method was used to analyze the statistical data using fixed effects; and descriptive and inferential statistics were used in the analysis section, and data analysis was performed using Eviews version 9 software. According to the analysis of the results, the main hypothesis was confirmed and it was found that bank financing, market power, and the bank's liquidity creation channel have a positive and significant effect on the monetary policy of commercial banks and financial institutions listed on the Tehran Stock Exchange. In this study, based on the t-statistic, the degree of influence of the special hypotheses was determined, which is that bank financing, liquidity creation channel, and market power, respectively, have an effect on monetary policy.

Keywords

Financing, market power, liquidity creation channel, monetary policy

1. Master of Science, Department of Accounting, Islamic Azad University, Lamerd, Iran
(Corresponding author: Mohammadreza.a5244@gmail.com)